

# Liberation Philosophy or Latin American Philosophy

Hadi Zarghami <sup>1</sup>

Master of Arts in Moral Philosophy, University of Qom

Received: 2024/04/11 | Accepted: 2024/04/16

## Abstract

Liberation philosophy is crucial in both theoretical and practical aspects in the Latin American region, therefore, as an independent school of thought, it is of great importance for further study. The aim of this research is to understand liberatory philosophy, which is introduced as a lesser-known philosophy in our scientific communities. The main basis of this philosophy is proxy and the issue of justice, and the specific approach of this Latin American philosophical thought is in support of the deprived, workers, victims of racism, women, and in general all the oppressed and oppressed. On the other hand, in contrast to classical philosophy, the issue of globalization, capitalism, imperialism, and neocolonialism is placed. In liberatory philosophy, a type of discourse is raised that is concerned with the (other) as a damaged and deprived individual. The concern of liberatory philosophers is to get out of philosophical debates and theoretical and ideological discourses. In fact, liberation philosophy can be described as a transcendent, pragmatic discursive thought with a transformative and revolutionary approach to social life. This philosophical thought, aligned with the liberation church, which represents liberation theology, are two important branches of liberation thought, the fruit of which is the emergence of liberation revolutions. This article, by describing liberation philosophy and introducing its ethical, political, and economic branches, proves the importance of the study and will in some way pave the way for subsequent comparative studies in this field and can share many common points with Islamic justice-oriented thought and the struggle against oppression.

**Keywords:** liberation philosophy, globalization, Latin American philosophy, proxy, neocolonialism.



---

1. E-mail: 21lavidadivina@gmail.com

## فلسفه آزادی بخش یا فلسفه آمریکای لاتین

هادی ضرغامی<sup>۱</sup>

کارشناس ارشد فلسفه اخلاق، دانشگاه قم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

### چکیده

فلسفه آزادی بخش در دو جنبه نظری و عملی در منطقه آمریکای لاتین سرنوشت ساز است از این رو به عنوان یک مکتب فکری مستقل از اهمیت زیادی برای بررسی بیشتر برخوردار است. هدف این پژوهش شناخت فلسفه آزادی بخش است که به عنوان فلسفه ای کمتر شناخته شده در مجامع علمی ما، معرفی می گردد. پایه اصلی این فلسفه پراکسی و موضوع عدالت است و رویکرد خاص این تفکر فلسفی آمریکای لاتینی در حمایت از محرومان، کارگران، قربانیان نژادپرستی، زنان و بطور کلی همه مستضعفان و ستمدیدگان است و از طرفی دیگر در نقطه مقابل فلسفه کلاسیک، مسئله جهانی سازی، سرمایه داری، امپریالیسم و استعمار نو قرار می گیرد. در فلسفه آزادی بخش نوعی از گفتمان مطرح می شود که دغدغه آن ((دیگری)) به عنوان فرد آسیب دیده و حرمان کشیده است. دغدغه فیلسوفان آزادی بخش خارج شدن از جدلهای فلسفی و گفتمانهای نظریه ای و ایده پردازانه است. در واقع می توان فلسفه آزادی بخش را یک اندیشه گفتمانی تعالی یافته عمل گرا، با رویکرد تحولی و انقلابی در زندگی اجتماعی معرفی کرد. این تفکر فلسفی همسوی با کلیسای

آزادی‌بخش که معرف الهیات رهایی‌بخش است دو شاخه مهم از اندیشه آزادی‌بخش هستند که ثمره آن‌ها ظهور انقلاب‌های آزادی‌بخش است.

این مقاله با توصیف فلسفه آزادی‌بخش و معرفی شاخه‌های اخلاقی، سیاسی و اقتصادی آن اهمیت مطالعه را اثبات می‌کند و به نحوی راهگشای مطالعات تطبیقی بعدی در این زمینه خواهد بود و می‌تواند نقاط مشترک زیادی را با اندیشه عدالت‌محورانه اسلامی و مبارز با ظلم به اشتراک بگذارد

### واژگان کلیدی

فلسفه آزادی‌بخش، جهانی‌شدن، فلسفه آمریکای لاتینی، پراکسی، اندیشه آزادی‌بخش، الهیات رهایی‌بخش، استعمار نو.

### مقدمه

آنچه که به عنوان یک رویکرد آمریکای لاتینی به دنیا عرضه شد تفکر آزادی‌بخش بود که به عنوان نگرشی جدید در تاریخ معاصر در سه شاخه فلسفی، کلیسایی و انقلابی بروز یافت. ما در این مقاله دو جریان فلسفی و کلیسایی را در دو بخش مجزا مورد ارزیابی اجمالی قرار می‌دهیم تا بلکه دربرهای مطالعه و تحقیق را بر رهپویان کاوش و اندیشه باز نماییم. در بخش اول مبانی کلی فلسفه آزادی‌بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد و از آنجا که انریکه دوسل به نوعی به عنوان پدر این فلسفه شناخته می‌شود آثار او بیش از دیگران مورد تحقیق قرار گرفته و همچنین از مطالب افرادی چون اسکانونه نیز استفاده می‌شود. این اندیشه فلسفی که توسط دوسل و هم‌اندیشان او پایه‌گذاری شد در شکل‌گیری جریان‌های سیاسی در آمریکای لاتین تاثیرگذار بود و نتایج خارجی‌ای از خود برجای گذاشت. به عنوان مثال بعد از انقلاب ونزوئلا در سال ۱۹۹۸ آقای چاوز دستور می‌دهد که نام کوه‌های شهر کاراکاس که همگی مربوط به دوران پسااستعماری اسپانیایی‌هاست تغییر کند یا مجسمه بزرگ پیسی بر



فراز بلندترین آسمان خراش این شهر که نماد سرمایه‌داری است حذف گردد. و یا اقداماتی که در جهت کاهش تبعیض طبقاتی و برطرف کردن فقر انجام داد. این نگرش از جهاتی اثر پذیرفته از فلسفه آزادی‌بخش است که توسط دوسل و همفکران او بنا شد به‌طور جدی در مقابله با مسائلی چون استعمار قدیم و نو، امپریالیسم و مسائلی چون جهانی‌سازی قرار گرفته است. از این جهت بررسی چنین مکتب فلسفی‌ای مهم به‌نظر می‌آید چرا که دارای نمود خارجی در سطح اجتماعی بوده و از طرفی با نگرش‌های سوسیالیستی، مارکسیستی و یا کمونیستی تفاوت‌هایی دارد. در بخش دوم جریان‌رهایی‌بخش کلیسا را مورد مطالعه قرار داده و اشخاص مطرح آن را معرفی می‌کنیم.

در ضمن شایان ذکر است که بخش عمده مطالب با بررسی منابع اصلی اسپانیایی صورت گرفته و در برخی موارد به آثار پیرامونی این جریان فکری مراجعاتی شده است.

### فلسفه آزادی‌بخش

نام این مکتب فلسفی که برخاسته از منطقه و فرهنگ آمریکای لاتین می‌باشد به زبان کاسترانو یا همان اسپانیایی *la filosofía de la liberación* است.

فلسفه آزادی‌بخش یا فلسفه آمریکای لاتینی یک جنبش فلسفی است که در اوائل دهه ۱۹۷۰ در آرژانتین ظهور کرد. این اندیشه در کتاب ((به سوی فلسفه آزادی آمریکای لاتین<sup>۱</sup>)) که در سال ۱۹۷۳ منتشر شد، به‌طور جمعی تدوین گردید. نویسندگان این کتاب عبارت بودند از اُسوالدو آدلِمو آردیلِس، ماریو کاسازا، اُراسیو سِرُوتی گولبرگ، کارلوس کوژن، انریکه دوسل، رودولفو کوش، آرتورو آندرس رویگ، خوان کارلوس اسکانونه و خولیو دِ سَن.<sup>۲</sup> قبل از ایشان جریان آزادی‌بخش کلسیای کاتولیک شکل گرفته بود که به نوعی نقش بیدارگری مجموعه از



1. *Hacia una filosofía de la liberación latinoamericana*

2. Ardiles, Osvaldo A; Casalla, Mario; Cerruti Guldberg, Horacio; Cullen, Carlos; Dussel, Enrique; Kusch, Rodolfo; Roig, Arturo Andres; De zan, Julio(1973). *Hacia una filosofía de la liberación latinoamericana*. Buenos Aires: Bonum.

اندیشمندان بخصوص فیلسوفان را بر عهده داشت. در ادامه به نقش این جریان الهیاتی و معرفی افراد شاخص آن خواهیم پرداخت.

این جریان فلسفی موضعی شدیداً انتقادی از فلسفه کلاسیک اتخاذ می‌نماید. به این شکل که آن را اروپایی محور و ظالمانه توصیف می‌کند و تفکر در باره وضعیت ستم‌دیدگان و پیرامون را پیشنهاد می‌دهد.

برای این منظور فلسفه آزادیبخش روشی را برای ربط دادن امر کلی به موضوع خاص و جزیی به نام آنالکتیک ارائه نمود که در واقع تبیینی متفاوت و در مقابل دیالکتیک بود.

پیشنهاد تشکیل این جنبش در دومین کنگره ملی فلسفه که در سال ۱۹۷۲ در شهر کوردوبا برگزار شد، به صورت عمومی ارائه گردید و در سال ۱۹۷۳ مانیفست تاسیس آن به عنوان یک مکتب فکری ظاهر شد. البته بطور جدی‌تر در اولین کنفرانس ملی فلسفه در مورلیای مکزیک (۱۹۷۵) بود که در سطح منطقه‌ای راه اندازی گردید.<sup>۱</sup>

دو جنبه‌ای که مشخص و معرف این فلسفه است عبارتند از: واسطه‌گری علوم انسانی و روش آنالکتیکی.

### میانجی‌گری علوم انسانی

کارکرد میانجی‌گرایانه علوم انسانی در فلسفه آزادی‌بخش همان انجام عملیات بصیرت‌افزایی نسبت به فکت‌ها و واقعیتها و همچنین تاکید بر تحلیل انتقادی است که بررسی معارف را به لحاظ تاریخی و ژئوفرننگی (جغرافیای فرهنگی) برقرار می‌کند. در این میان ادیان نیز نقشی مشابه علوم انسانی را برای فلسفه آزادی‌بخش دارند. علوم انسانی و ادیان نقش موید را برای فلسفه آزادی‌بخش بازی می‌کنند. فیلسوفان آزادی‌بخش در فرآیند رهایی در پی یافتن شواهدی هستند تا اتقان مطالب

1. Universidad Nacional Autónoma de México S/F. Filosofía de la liberación. www.cialc.unam.mx. Cpsultado el 1 de noviembre de 2017.

خود را تصدیق نمایند به این لحاظ در لابه لای کتب دینی و علوم انسانی جستجویی کنند تا به مراد خود برسند اما هیچ‌گونه وابستگی به هیچ مکتب و اندیشه دینی ندارند گرچه ممکن است از هر یک مطلبی نو اصطیاد کنند که پیش از آن را دارا نبودند.

### آنالکتیک

اما روش آنالکتیک که به نوعی از نگاه کل‌نگرانه دیالکتیکی رهیده و به نحوی دیگر نگاهی کلی دارد به انسان بما هو انسان، نه انسان از یک بعد خاص یا انسان در زمان و یا جغرافیای فرهنگی ویژه؛ به عنوان مثال شاخصه اصلی فلسفه دووسل و اسکانونه که از قافله سالاران این جنبش فکری هستند، مساله آنالکتیک است.

دوسل در کتاب فلسفه آزادی‌بخش خود محتوای این جنبش را توضیح می‌دهد. وی معتقد است تولد در هر محیطی می‌تواند صبغی متفاوتی به رویکرد فیلسوفانه بدهد؛ مثلاً فلسفه‌ای که از محیط آمریکای لاتین زاده می‌شود با فلسفه‌ای که از مراکز هژمونیک قدرت بدست می‌آید تفاوت ماهوی دارد زیرا که این فلسفه در اروپا به سرعت به ابزار ظلم و ستم و در خدمت سلطه مرکزی تبدیل می‌شود اما آن یکی فلسفه‌ای دغدغه‌مند، محیطی و پیرامون‌نگر است. دووسل می‌گوید فلسفه پیرامونی یا محیطی همان فلسفه آزادی‌بخش است.

این فلسفه مقابل فلسفه‌ایست که می‌گوید: هستی هست است و نیستی نیست، و هست‌ها را آنگونه تعریف می‌کند که خود می‌خواهد. وی می‌گوید ذات این فلسفه ستم‌خیز است چون هستی با فهم او تبیین می‌گردد؛ به همین جهت آنها وقتی به آمریکای لاتین هجوم می‌آورند در مواجهه با بومیان این سوال به ذهنشان می‌رسد که آیا اینها انسان هستند یا نه؟ یعنی اولین سوال یک سوال هستی‌شناسانه است که آیا اینها داخل در دایره‌ی انسانها هستند یا نیستند و شد آنچه شد و تاریخ از این نگاه تلخ چه ناهنجاریها که ندید و چه جفا و ظلم‌ها که بر سر بومیان نگون‌بخت که نرفت.

### فلسفه آزادی‌بخش در مقابل فلسفه اروپایی



از جمله مواردی که فلسفه آزادی‌بخش در پی نقد آنهاست می‌توان امپریالیسم، استعمار نو، جهانی سازی، نژادپرستی و تبعیض جنسیتی را نام برد. همچنین چالشی مستقیم برای گفتمان‌های اروپایی و آمریکا-انگلیسی ایجاد می‌کند و بر مسوولیت‌های اجتماعی سیاسی فلسفه آمریکای لاتین در قبال پروژه آزادی‌بخشی تاریخی تاکید می‌کند. به این ترتیب جریان فلسفی آزادی‌بخش به عنوان تقابلی با فلسفه سلطه، مطرح شده و به روند واقعی‌رهای بخش آمریکای لاتین کمک می‌کند.

پیامدهای فلسفه آزادی‌بخش بیش از هر چیز در نحوه درک جهان و در رابطه ابژه و سوژه که معرفت را ممکن می‌سازد، آشکار می‌شود. پایه‌گذاران این جریان فکری جهان را با نگاه فقرا و دردمندان می‌بیند و همین باعث می‌شود درک جدیدی از واقعیت در سیم فکری آن‌ها ارائه گردد.

انریکه دووسل که به واقع قافله‌سالار این مکتب فکریست معتقد است که رهایی تنها به معنای به‌درآمدن از ظلم و ستم روزمره و مصطلح نیست بلکه تعریف او رهایی از زنجیرهای بیگانگی از ساختاری اروپامحور است که انسان را درمانده می‌کند تا خود را بی‌هویت تلقی کند و انسانی وزان انسان اروپایی را ایده‌آلترین الگوی انسانیت پندارد.

### به روز رسانی فلسفه آزادی‌بخش

افرادی همچون اسکانونه که یکی از الهی‌دانان لاتینی است و همچنین از تدوین‌گران اصلی این فلسفه می‌باشد در ملاقاتی با پاپ فرانسیسکو خطاب به او می‌گوید: که فلسفه آمریکای لاتین که در دهه ۱۹۷۰ بر مفهوم استثمار متمرکز بود، اینک باید با تمرکز بر مفهوم جهانی‌سازی<sup>۱</sup> صورت‌بندی گردد.

او همچنین اظهار می‌دارد که مفهوم محرومیت را در نظر بگیرید. چیزی است که شامل همه طردشدگان می‌شود. چه افراد و چه گروه‌های اجتماعی‌ای که در آمریکای لاتین و یا همه جهان در حال زندگی هستند.<sup>۱</sup>

به همین دلیل اسکانونه پیشنهاد می‌کند که هرگونه مشارکت علمی یا سیاسی از علوم اجتماعی باید از دیدگاه طردشدگان و محرومین صورت بگیرد.

از جمله اموری که این فلسفه بر روی آن تمرکز ویژه دارد و سعی در زیر سوال بردن آن می‌کند، استعمار نو است. چیزی که فلاسفه آزادی‌بخش با حساسیت به آن می‌نگرند و سعی در از ریشه زدن این نوع تفکر را دارند.

### استعمارنو

مفهومی است که به روش‌هایی گفته می‌شود که پس از دوران استعمار کهن، برای تسلط اقتصادی و سیاسی کشورها و بهره‌گرفتن از آن‌ها بکار گرفته می‌شود و به نوعی معادل با امپریالیسم است. و امپریالیسم چیزی است که طرفداران فلسفه آزادی‌بخش با تنفر خاصی نسبت به آن قلم می‌زنند.

همگام با تحولات پس از جنگ جهانی دوم و سلب امکان استعمار کشورها به صورت مستقیم، سیاست‌های جدیدی تحت عنوان استعمار نو بکار گرفته شد و شیوه‌های استعمار کلاسیک به کار خود پایان داد. این روش، شامل شیوه‌هایی چون تک‌محصولی کردن کشورهای جهان سوم، سرمایه‌گذاری‌های خارجی توسط کشورهای ثروتمند و غیره می‌شود.

ورود اندیشه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جدید به مناطق مستعمره و گسترش جنبش‌های ضد استعماری از عوامل مهم پایان گرفتن استعمار سنتی بود. استعمار کهن پس از بیرون آمدن نیروهای نظامی و عوامل شناخته شده خود از



مستعمره‌ها، با به قدرت رساندن هواداران داخلی، منافع خود را در این مناطق تامین می‌کند.

سرمایه‌داری و صدور سرمایه برای بهره‌برداری از منابع سرزمین‌های دیگر، روابط اقتصادی کشورهای صنعتی استعمارگر را با کشورهای کوچک وارد مرحله تازه کرد؛ به این ترتیب که کشورهای صنعتی، از راه صدور سرمایه و مکانیسم جهانی قیمت‌ها و داد و ستد مواد خام با کالاهای ساخته شده و فشارهای سیاسی و اقتصادی، از کشورهای کم‌رشد بهره‌کشی می‌کنند و این رابطه، عنوان استعمار نو<sup>۱</sup> را به خود گرفته است. این همان چیزی است که امثال انریکه دوسل آن را نتیجه روح بورژوازی حاکم بر فلسفه مدرن می‌داند و در این مساله به شدت به فلسفه غرب می‌تازد و مبانی فکری آن همچون اندیشه امانوئل کانت را توییخ می‌نماید.

امثال دوسل و اسکانونه معتقدند که سرمایه‌داری زائیده فلسفه مدرن است پس آن‌ها تمامی علوم اجتماعی را به عنوان میانجی‌گر در راه آزادی‌بخشی، با نگاهی محروم محور به میدان مبارزه با سرمایه‌داری می‌آوردند و سیاست و اقتصاد را به عنوان دو بال اصلی این فلسفه با عینک طرد شدگان می‌نگرند و مطرح می‌نمایند.

در نهایت باید خاطر نشان کرد که روش نواستعماری سبب می‌شود که کشورهای ضعیف با وجود استقلال سیاسی حقیقی یا ظاهری، همچنان در مراحل اولیه رشد اقتصادی درجا بزنند یا حتی عقب بروند و در مقابل کشورهای پیشرفته از بهره‌برداری منابع آن‌ها و از راه داد و ستد اقتصادی سودهای کلان بدست آورند.<sup>۲</sup>

بعد از این مطلب آنچه که روح فلاسفه آزادی‌بخش را آزار می‌دهد و فکرشان را درگیر می‌نماید اندیشه جهانی‌سازی است. چیزی که با روح ثروت و سرمایه‌داری عجین است و در قالب‌های اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و غیره نیز بروز می‌کند.

1. Neocolonialismo

۲. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، انتشارات مروارید، چاپ شانزدهم تهران، ۱۳۸۷ ص ۲۸

انریکه دوسل، رودولفو کوش، آرتور روگ و لئوپولدو زئا یکی از شارحان و مفسران اصلی این جنبش فلسفی است. محتوایی فلسفی که با نگرشی تاریخی-اجتماعی-سیاسی و اخلاقی به عنوان امری پیرامون گرا به آمریکای لاتین و در لایه‌ای دیگر به آفریقا و آسیا نیز می‌پردازد.<sup>۱</sup>

همانطور که ذکر شد این جنبش از آرژانتین سرچشمه گرفت، اما در زمان دیکتاتوری نظامی در سراسر آمریکای لاتین گسترش یافت، زیرا بسیاری از روشنفکران، به دلیل آزار و اذیت سیاسی مجبور به تبعید شدند. فلسفه‌های بخش هم در آمریکای لاتین و هم در سایر قاره‌ها و مناطق بسیار تاثیر گزار بوده است، به این دلیل جایگاه خود را در عرصه جدید فلسفی جهان تثبیت نمود.<sup>۲</sup>

شارحان اصلی این مکتب با برداشتی متفاوت از فهم هستی با چشم و نگاه فقرا و محرومین کشفی متفاوت از واقعیت را فرموله می‌کنند. و به همین دلیل مبتنی بر این اندیشه ایده پراکسی را ارائه می‌دهند و همچنین غلبه بر تفکر مارکسیسم-لنینیسم را فرض نموده و شیوه تفکر خود را از منظر ستم‌دیدگانی که به دنبال رهایی هستند، پیشنهاد می‌کنند. با همین تفکر نو مارکسیستی است که آن‌ها اعتقاد دارند رهایی و آزادشدگی صرفا امری انضمامی از ستم عادی نیست بلکه دریدن زنجیر بیگانگی و خودباختگی‌ای است که با یک تفکر اروپا محور درست شده است.<sup>۳</sup>

### جهانی‌سازی

جهانی‌سازی<sup>۴</sup> فرآیند کنش متقابل و یکپارچگی مردم، شرکت‌ها و دولت‌ها در سراسر جهان است. جهانی‌سازی به علت پیشرفت فناوری ارتباطات و حمل و نقل رشد کرد. افزایش کنش متقابل جهانی، رشد تجارت، ایده‌ها و فرهنگ‌های

1. Burton, M Osorio, J. 2011. Introducing Dussel: the philosophy of liberation and a really social psychology. <http://www.pins.org.za>.

2. Universidad Nacional Autónoma de México S/F. Filosofía de la liberación [www.cialc.Unam.mx](http://www.cialc.Unam.mx). Consultado el 1 de noviembre de 2017

3. Universidad Nacional Autónoma de México S/F. Filosofía de la liberación [www.cialc.Unam.mx](http://www.cialc.Unam.mx). Consultado el 1 de noviembre de 2017

4. Globalización

بین‌المللی را به همراه دارد. جهانی‌سازی در درجه اول یک فرآیند اقتصادی به صورت کنش متقابل اقتصادی می‌باشد که با جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز عجین است. در واقع جهانی‌سازی فرآیندی اقتصادی، تکنولوژیکی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در مقیاس جهانی است که از ارتباطات و وابستگی فزاینده بین کشورهای مختلف جهان تشکیل شده است.

جابه‌جایی تدریجی قدرت از دولت‌های محلی به نهادهای بین‌المللی و شرکت‌های فراملیتی، تغییر نظریه‌های حاکم بر اقتصاد، تغییر در تقسیم کار جهانی از شیوه‌های خوشه‌ای به خطی و ظهور امپریالیسم جهانی در چارچوب جهانی‌سازی اقتصادی همگی از تحولات رخ داده در سطح بین‌المللی با ظهور پدیده جهانی‌سازی است.<sup>۱</sup>

در مقابل ایده جهانی‌سازی جنبش ضد جهانی‌سازی وجود دارد که طرفداران جهانی‌سازی مخالفان خود را از میان ناسیونالیست‌ها، چپ‌های افراطی، سوسیال دموکرات ارتدکس، پوپولیست‌های جهان سوم و جنبش‌های مذهبی محافظه‌کار بر می‌شمردند. اما در این میان تفکر فلسفی آزادی‌بخش لاتینی نیز وجود دارد که فارغ از تمام گروه‌های نام‌برده با تفکر اندیشه‌ورزانه به میدان نبرد با این رویکرد آمده و قصد در مقابله‌ای مبنایی و فیلسوفانه با آن را دارد.

فیلسوف آزادی‌بخش آرژانتینی خوان کارلوس اسکانونه می‌گوید:

امروز وضعیت در آمریکای لاتین ظاهراً در مقایسه با سال ۱۹۷۱ بدتر شده است. امروز وضعیت طردشدگان ناعادلانه‌تر شده و حتی بیش از دوره استثمار و استعمار قربانی می‌دهد و جهانی‌سازی که بر اساس ایدئولوژی نئولیبرالی ترویج می‌شود، به نظر می‌رسد روزنه‌های کمتری برای جایگزین‌ها نسبت به جنگ سرد باقی

۱. زیرک، معصومه، تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن، منطقه‌گرایی و الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی - شماره‌های ۸۳ و ۸۴، مهر و آبان

می‌گذارد.<sup>۱</sup> دوسل نیز در همین راستا کتابی با عنوان فلسفه اخلاق آزادی‌بخش در عصر جهانی‌شدن و محرومیت می‌نویسد.

### آنالکتیک تکامل بخش دیالکتیک منفی

فیلسوفان آزادی‌بخش درصدد تبیین نقش تکاملی آنالکتیک هستند چرا که آنالکتیک را لحاظی انتقادی و استیلائی نسبت به دیالکتیک منفی می‌دانند و می‌گویند: آنالکتیک دیالکتیک منفی را رد نمی‌کند، همانطور که دیالکتیک علم را نفی نمی‌کند، در حقیقت آنالکتیک به راحتی دیالکتیک را بالا می‌برد و کامل می‌نماید و به آن ارزشی واقعی و منصفانه می‌دهد.<sup>۲</sup>

به عنوان مثال دوسل از منتقدین روش دیالکتیک امثال مارکوزه<sup>۳</sup> است و قائل است به اینکه روش دیالکتیکی منفی وی، آدورنو<sup>۴</sup> و حتی بلوخ<sup>۵</sup>، علی‌رغم انتقاد صحیح از آرمان‌شهر دیالکتیکی طرح شده است. از مردم، بخصوص زنان عامی، جوانان تحت ستم و جوامع وابسته، سخن می‌گوید اما نگاهی ساده‌لوحانه را انتقال می‌دهد.<sup>۶</sup> دوسل در جمع‌بندی مبحث آنالکتیک، آن را یک تایید بیرونی و واقع‌شدنی در عالم خارج می‌داند و می‌گوید: این به معنای نفی سیستم کلیت نیست بلکه غلبه بر کلیت است و غلبه بر کلیت از ماوراء داخلیت و خارجیت است.<sup>۷</sup> پس به این لحاظ است که آنالکتیک با نادیده گرفتن عنصر کلیت بر دیالکتیک منفی فائق می‌آید و در واقع آن را در خود هضم می‌کند.

### سیاست آزادی‌بخش

1. scannone, Juan Carlos(2009) la filosofía de la liberación: historia, Característica, Vigencia, Teología y vida L59-73

2 . Dussel Enrique, la filosofía de la liberación, p 187, Editorial Nuevo América, Cuarta Edición, Bogotá 1996

3. Herbert Marcuse

4. Theodor Adorno

5 Ernst Bloch

6. Dussel Enrique, la filosofía de la liberación, p 188, Editorial Nuevo América, Cuarta Edición, Bogotá 1996

7. Dussel Enrique, la filosofía de la liberación, p 187, Editorial Nuevo América, Cuarta Edición, Bogotá 1996

دوسل در کتاب خود یعنی سیاست آزادی‌بخش به دنبال ساختار شکنی تاریخ از پارادایم‌های دیگر است. به همین دلیل خود را با هفت محدودیت می‌بیند:

۱. هلن‌گرایی (هلنیسم)<sup>۱</sup>

۲. غرب‌گرایی<sup>۲</sup>

۳. اروپا محوری<sup>۳</sup>

۴. دوره‌بندی<sup>۴</sup>

۵. سکولاریسم<sup>۵</sup>

۶. استعمار ذهنی - نظری<sup>۶</sup>

۷. آنچه که شامل آمریکای غیر آنگلو ساکسون در مدرنیته نمی‌شود.

وی در مواجهه با اولین محدودیت به این نکته قائل می‌شود که این برداشت که می‌گوید اکثر عبارات جهان سیاست ریشه در یونان دارد نادرست است و بلکه ما باید ریشه بسیاری از این کلمات را در مصر، بین‌النهرین، و در دنیای فینیقی‌ها جستجو کنیم و همچنین سامی‌ها که بعدها مورد هجوم یونانی‌ها قرار گرفتند. او کلمه دموکراسی را مثال می‌زند که به گفته وی دموس منشاء مصری دارد و به معنای روستا است.

اما درباره محدودیت دوم دوسل بر این باور است که غرب‌گرایی در فلسفه‌های سیاسی زمانی به وضوح نشان داده می‌شود که اهمیت امپراتوری روم شرقی، بیزانس و قسطنطنیه کم اهمیت جلوه داده شود. او یاد آور می‌شود که در فلسفه سیاسی غرب گرا همگی فراموش کرده‌اند که آنچه که به عنوان رنسانس در اروپا ظهور یافت



1. Heleno centrismo  
2. Occidentalismo  
3. Eurocentrismo  
4. La personificación  
5. Secularismo  
6. Colonialismo teórico\_ mental

نتیجه ترجمه‌های دانشمندان عرب در مدرسه مترجمان تولدو اسپانیا بود نه اروپایی‌ها که در قرون وسطی هیچ انتقال علمی را انجام ندادند.

فیلسوف آرژانتینی با اشاره آلتورستریسم یادآور می‌کند که در فل‌شود که فلسفه سیاسی غربی دستاوردهای سیاسی فرهنگ‌های دیگر مانند مصر، بین‌النهرین، امپراتوری چین، اسلام، آرتک، مایا و اینکاها نادیده گرفته می‌شود.<sup>۱</sup>

محدودیت دیگر، دوره‌بندی سازمان‌یافته تاریخ بر اساس معیارهای اروپایی فلسفه سیاسی است که دوسل در کتاب سیاست آزادی‌بخش خود طرحی متفاوت و برخلاف آن رایج می‌دارد. به‌طور خاص دوره بندی او در مقابل نظر هگل است.

محدودیت پنجم برای دوسل شکست رویکرد سکولاریزاسیون سنتی فلسفه‌های سیاسی است. رویکردی بدون مفهوم تاریخی و مبتنی بر مسیحیت مدرنیته.<sup>۲</sup>

وی به عنوان محدودیت ششم از استعمار ذهنی-فکری فلسفه‌های سیاسی کشورهای پیرامونی یاد می‌کند. جایی که آثار مدرنیته سیاسی اروپا بدون نقد وارد در این جوامع می‌شود و در حقیقت موضع فلسفه سیاسی استعماری اروپایی حفظ می‌شود.

او در مورد هفتم می‌گوید که منطقه آمریکای لاتین در تاریخ جهان سیاست مدرن یک شرکت کننده اصلی بوده است. برای گنجاندن آمریکای لاتین در این دوره، دوسل اشاره می‌کند که آغاز این دوره باید باز تعریف شود و آن را در سال ۱۴۹۲ قرار می‌دهد. یعنی سال ورود اسپانیایی‌ها به این منطقه؛ بنابراین اسپانیا اولین دولت مدرن و آمریکای لاتین اولین قلمرو استعماری این دوره بوده است. و اینگونه بود که فیلسوفان اسپانیایی و پرتغالی آغاز فلسفه مدرنیته را از قرن شانزدهم در آمریکای لاتین رقم زدند.



1. Dussel, Enrique(2007). Política de la liberación. Vol I: Historia Mundial y Crítica. <http://jornada.unam.mx/2012/03/28/opinion/026a1pol>

2. Dussel, Enrique(2007). Política de la liberación. Vol I: Historia Mundial y Crítica. <http://jornada.unam.mx/2012/03/28/opinion/026a1pol>

از مجموع بیانات انریکه دوسل در ابعاد فلسفی، سیاسی و اخلاقی وی می‌توان فهمید که او نیز چون سایر فلاسفه آزادی‌بخش با اندیشه مدرنیته، اروپایی و به‌طور کل غرب محور کاملاً مخالف است و تفکری انتقادی به فلسفه غرب دارد.

### مبانی اخلاقی فلسفه آزادی‌بخش

فیلسوفان این جریان اخلاق را بر اساس اصول فلسفه آزادی‌بخش به گونه‌ای بازنگری و فرموله می‌کنند که به فلسفه مذکور قابلیت عملیاتی و واقع‌شدنی می‌دهند. ایشان در بازنگری اخلاق آزادی‌بخش، ایده اصلی معنای این اخلاق جدید را با فرمول زیر آشکار می‌کنند:

چه کسی مسئولانه تشخیص می‌دهد که قربانیان نمی‌توانند زندگی خود را بازتولید کنند، توسعه دهند یا بطور متقارن در بحث در مورد آنچه تحت تاثیر قرار می‌گیرند شرکت کنند، فرد قربانی باید در مقام نفی به دنبال ساختن هنجارها، اقدامات یا ساختار نهادهای تاریخی باشد که حقوق وی را نادیده می‌گیرد و اثباتاً دنبال این امور است تا بتواند اولاً بشردوستانه زندگی کند دوم اینکه زندگی او در مشارکتی متقارن با دیگران باشد و سوم اینکه در واقع خواسته‌های امکان‌پذیر یا جایگزین را انجام دهد که شامل دگرگونی‌های گوناگونی است. ما همه این اقدامات دگرگون‌کننده را پراکسیس آزادی‌بخش می‌نامیم.<sup>۱</sup>

همانطور که می‌بینید کلیدواژه اصلی فلسفه آزادی‌بخش کلمه قربانی است. طرفداران این فلسفه، فقیرها، بی‌سرپرستان، وضعیت آشفته جایگاه زن در جوامع مختلف، جنگ‌زدگان و بطور کلی تمام رنجکشیدگان عالم را قربانیان وضع موجود جامعه جهانی می‌دانند.

### اخلاق هنجاری پدیدارشناسانه دوسل

1. Álvaro, José Luis, La ética de la liberación ante el desafío de Apel, Taylor y Vattimo con respuesta crítica inédita de K.O. Apel, Enrique Dussel, nuevo America, Bogotá 2015

اخلاق رهایی‌بخش انریکه دوسل کاری نوین و فراگیر است. آثار اخلاقی وی گرایشی هرمنوتیکی و پدیدارشناسانه به اندیشه‌های هوسرل و هایدگر دارد. بطور کلی سبک اخلاقی وی در یک افق کلی الهام گرفته از مکتب ارسطویی است. گرچه در آثار متأخر چرخشی به سوی اندیشه‌های کارل اتو اپل<sup>۱</sup>، پدر اخلاق گفتمانی داشته است.<sup>۲</sup> در واقع دوسل از طرفداران اخلاق گفتمان<sup>۳</sup> است. البته با اضافه کردن ایده‌های خود اخلاق گفتمان را ارتقا می‌دهد و در افقی بالاتر از اتو اپل و هابرماس آن را مطرح می‌کند.

نگاه اخلاقی او گرایشاتی دینی دارد و سویی‌هایی از تفکر اخلاقی مسیحیت، اسلام و یهودیت در آن دیده می‌شود. بنابراین ساختار اخلاق هنجاری وی بنحوی متأثر از افلاطون است و اخلاق او ترکیبیست با اخلاق سامی<sup>۴</sup> که معرف زبان و فرهنگ سامی‌ها (مسلمانان بطور خاص اعراب و عبریان) است. البته نمی‌توان موضع او در اخلاق هنجاری را بوضوح کشف کرد. بطور مسلم او طرفدار پیامدگرایی نیست چون محتوای آثار او در موضعی صد درصد متضاد با اندیشه سودگرایانی چون میل و بنتام است. در پاره‌ای از موارد شاید اینگونه برداشت شود که او وظیفه‌گراست اما نقدهای اساسی وی به پایه‌های تفکر فلسفی و اخلاقی کانت، همچو شمشیری آخته و خارج از نیام خود نمایی می‌کند.

دوسل در هیچ نقطه از آثار خود به صراحت حرفی از موضع هنجاری خود نمی‌زند چون او بسیاری از ساختارهای فلسفی فیلسوفان را قبول ندارد و همیشه در پی این است تا اندیشه آزادی‌بخش خود را طرح کند و از آثار و اندیشه‌های دیگران به عنوان میانجی و موید در تایید تفکر خود استفاده می‌نماید پس به نوعی اخلاق

1. Karl-Otto-Apel

2. Medita Eduardo, Vulnerabilidad de las víctimas, filosofía de vida ética y liberación a través del pensamiento de Enrique Dussel. P 91

3. Ética del discurso

4. Ética Semítica

هنجاری او اخلاق آزادی‌بخش است که با تبیین خاص خود معرفی می‌گردد و او نام این اخلاق فلسفی را اخلاق زندگی می‌گذارد..

در مرکز ثقل اخلاق آزادی‌بخش می‌توان با واژه‌هایی چون، فقر، برده‌داری، قربانیان، آوارگان، کودکان بی‌پناه، زنان، نژادپرستی، بی‌عدالتی، جهانی‌شدن، فرهنگ‌های مورد ستم واقع شده و همچنین دفاع از حقوق طبیعت و حیوانات، برخورد کرد.

بطور کلی رویکرد اصلی اخلاق آزادی‌بخش، انسانهای در معرض آسیب‌پذیری و شکنندگی هستند؛ انسانهایی که همواره در رنج و سختی به سر می‌برند. قلب تپنده‌ی این نگرش اخلاقی، انسان بما هو انسان است بدون هیچ تبعیض و طبقه‌بندی‌ای؛ انسانهایی که باید از تمام قیود ناعادلانه نظم نوین جهانی با مبنای امپریالیستی رهایی یابند<sup>۱</sup> تا اینگونه همگی بتوانند به سعادت و کامیابی حقیقی نائل شوند.

### تاریخ و الهیات رهایی‌بخش، یک دیدگاه آمریکای لاتینی

این موضوعیست که دوسل در سال ۱۹۷۲ در ضمن سخنرانی‌هایی درباره آن صحبت کرد و توضیح گسترده‌ای درباره محوریت کلیسا و نقش آن در آمریکای لاتین داد و از آن به عنوان یک الهیات آشکار آمریکای لاتینی که در نهان خود یک سیاست رهایی‌بخش را داشت نام برد.

دوسل اساساً به تاریخ می‌پردازد، به ویژه تاریخ آمریکای لاتین که یک روند مثبتی به سوی فرآیند آزادی‌بخشی را به تدریج طی کرده است. بررسی او به ریشه‌های انسانی باز می‌گردد و شامل موضوعاتی از سیستم‌های اعتقادی و جهان‌بینی

1. Dussel Enrique, 14 Tesis De Ética, Hacia La Esencia del pensamiento critico, P 2, Editorial Traotta, 1 er Edición, Buenos Aires 2016

آزتک‌ها و اینکاها گرفته تا خاستگاه مسیحیت، امپراتوری بیزانس و نقش کلیسا در تسخیر اسپانیا است.<sup>۱</sup>

در بخشی از سخنان خویش به تحولات سیاسی دهه ۱۹۶۰ می‌پردازد و خشونت و ظلم متحمل شده توسط رژیم‌های نظامی، پاسخ کلیسا و مساله مقاومت مبارزانه (با خشونت) و مقاومت غیر مبارزانه (عاری از خشونت) در اندیشه مسیحیت را بررسی می‌کند. دوسل همچنین سازگاری سوسیالیسم با دکتورین مسیحی و امکان سوسیالیسم منحصر آمریکای لاتین را با دقت مورد تحلیل قرار می‌دهد.

موضوع واحدی که در سیر مطالب او به شکل منسجم مطرح می‌گردد موضوع مقاومت در برابر ظلم است. در واقع فیلسوف آرژانتینی می‌خواهد از طریق تفسیر خود، تعهد مسیحی برای غلبه بر گناه ظلم را از طریق تعهد به اقدام فداکارانه در جهت هدف‌رهایی بخشی تاریخی بررسی بنماید.<sup>۲</sup> از آنجایی که ریشه فکری الهیات رهایی‌بخش و اصحاب این کلیسا در هم تنیدگی خاصی با فیلسوفان این جریان و در بُعد کنش‌گری با انقلابیون این جنبش فکر دارند پس باید به اختصار اشاره‌ای به ایشان داشته باشیم. اهمیت این موضوع از این جهت است که رهبران تفکر آزادی‌بخش چه در میان فیلسوفان و چه در میان اصحاب کلیسا و چه در میان انقلابیون همواره مورد تهدید و یا حتی ترور قرار گرفته و از طرفی این سه گروه باهم متحد بوده و برای همدیگر به لحاظ تبادل‌گر اندیشه نقشی بسیار موثر را داشته‌اند. به عنوان مثال کامیلو تورس از جمله اندیشمندان کلیسایی در جریان اندیشه آزادی‌بخش است که رساله انتقادی کوچکی با عنوان پدیده خشونت نوشته و این رساله بر بسیاری از انقلابیون منطقه از جمله چگوارا تاثیر گذاشته است تا جایی که در کلمبیا مردم رساله تورس را راهنمای اصلی چگوارا می‌دانند.<sup>۳</sup>

1. Vernon, Ivan 1978. Review of History and the Theology of liberation a Latin America perspective. Oxford University press. Consultado el 1 de noviembre de 2017

2. Kilogore, W. J. 1976. History and the Theology of liberation a Latin America perspective. Duke University press. doi: 10.2307/2514222. Consultado el 1 de noviembre de 2017

۳. ناجی محمد امین، ۱۴۰۱، کلیسای انقلابی، ص ۴۸، قم، نشر فانوس دریایی

تورس در یک مبارزه نظامی جان خود را در راه الهیات آزادی بخش و اندیشه انقلابی خود از دست داد و این سرنوشت بسیاری دیگر از این افراد بود. اسکار رومرو اسقف اعظم السالوادور در سال ۱۹۸۰ در هنگام سخنرانی انقلابی در مراسم عشای ربانی که در آن سخن از عدالت و آزادی می گفت کشته شد و بعدها توسط پاپ فرانسیسکو به عنوان شهید راه عدالت و آزادی معرفی گردید.<sup>۱</sup> همچنین کارلوس موخیکا که شیوه مبارزاتی خود را بر اصل ترجیح فقرا بر ثروتمندان پایه ریزی کرده بود و در همین راه در ۱۱ می ۱۹۷۴ به ضرب گلوله به قتل رسید.<sup>۲</sup> انریکه دوسل نیز از یک ترور نافرجام در آرژانتین جان سالم به در برد و به همین دلیل به مکزیک مهاجرت کرد. ویا دکتر ارنست چگوارا که در نهایت در راه این اندیشه در جنگ نظامی شهری در بولیوی کشته شد.

همه اینها با تمام افتراقات عقیدتی ولی برای یک نقطه اشتراک که اندیشه رهایی بخشی است متحد شدند و جانشان را در این مسیر گذاشتند تا راه رهایی از ظلم و رسیدن به عدالت هموار گردد.

### الهیات رهایی بخش

الهیات رهایی بخش یک جریان کلامی مسیحی است که از ترکیب کلیسای کاتولیک و پروتستان تشکیل شده است که در آمریکای لاتین در دهه ۱۹۶۰ پس از ظهور جوامع کلیسایی پایه، شورای دوم واتیکان (۱۹۵۶-۱۹۶۲) و کنفرانس اسقفی در شهر مدژین کلمبیا (۱۹۶۸) متولد شد. پس به لحاظ زمانی حدود ۱۶ سال بر فلسفه آزادی بخش تقدم دارد.<sup>۳</sup>

1. Jesús Delgado Acevedo Oscar A. Romero. Biografía, Ediciones Paulinas, Madrid, España, (1986)Ñ P 81.

۲. ناجی محمد امین، ۱۴۰۱، کلیسای انقلابی، ص ۵۷، قم، نشر فانوس دریایی

3. Boff, Leonardo (1989) Teología de la liberación: Recepción creativa del vaticano II a partir de la óptica de los pobres. Desde el lugar del pobre. 9\_39. Ediciones paulinas

دوسل می گوید: اولین کسانی که مفهوم الیات رهایی بخش را به کار بردند و این جریان را معرفی نمودند الهیدان پروتستان برزیلی روبم آلوز و کشیش کاتولیک پرویی گوستاوو گوتیرز مرینو بودند که اولین آثارشان در این زمینه به ترتیب به سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ برمی گردد.<sup>۱</sup> البته قبل از اینکه این الهیات هویت خود را بین سالهای ۱۹۶۸ الی ۱۹۷۱ مشخص کند، چندین اثر الهیاتی و جامعه شناختی در این زمینه منتشر شده بود که منجر به شکل و قالب دادن تدریجی به این مکتب فکری شد.

علاوه بر اشخاص فوق‌الذکر می توان از افرادی همچو هلدر کامارا، اسکار رومرو، کامیلو تورس، خوان لویس سگوندو، ارنستو کاردنال، کارلوس موخیکا، لئوناردو بوف و خورخه ماریو بر گولیو نام برد. البته برخی دوسل را از اعضای غیر روحانی این کلیسا می دانند چون که وی علاوه بر فلسفه از فارغ التحصیلان الهیات از دانشگاه سوربن فرانسه است. و به دلیل روابط زیاد با افراد همسوی کلیسایی عضوی از آنان محسوب می گردد.

انریکه دوسل اشاره می کند که اولین کتاب با عنوان عملکرد کلیسا در واقعیت رودخانه پلیت نوشته خوان لویس سگوندو الهی دان اروگوئه‌ای بود که در سال ۱۹۶۲ منتشر شد. و بعد از آن بود که در ماه می ۱۹۶۸ کشیش پروتستان برزیلی، روبم آلوز، با موفقیت از پایان‌نامه دکتری خود با عنوان به سوی الهیات آزادی بخش انسانی، در مدرسه علمیه الهیات پرینستون ایالات متحده دفاع کرد.<sup>۲</sup>

مشخصه اصلی این تفکر این است که انجیل مستلزم این است که آموزه‌های ترجیحی خود برای فقرا را با کمک علوم انسانی و اجتماعی در جهت رهایی و آزادی مردم به میان آورد.



1. Dussel, Enrique (1995). La historia social de América Latina y el origen de la teología de la liberación. La teoría social latino americana: La centralidad del marxismo. Coyoacán: El Caballito.p.167\_176  
 2. Dussel, Enrique (1995). La historia social de América Latina y el origen de la teología de la liberación. La teoría social latino americana: La centralidad del marxismo. Coyoacán: El Caballito.p.167\_176

الهام بخش دیگر الهیات آزادی بخش آمریکای لاتین، مبارزه حقوق مدنی بود که به نوبه خود حقوق سیاه پوستان در ایالات متحده را به رهبری مارتین لوتر کینگ (۱۹۶۸-۱۹۲۹) به دست آورد. همچنین الهیات رهایی بخش سیاهان در آفریقا که منجر به مبارزه علیه آپارتاید شد و نیز الهیات مینجونگ در کره و الهیات دهقانی در فیلیپین که توسط چارلز آر صورت گرفت همگی مرتبط با الهیات آزادی بخش آمریکای لاتین بوده اند.<sup>۱</sup>

الهیات رهایی بخش دارای شاخه های مختلفی است که به طور متفاوتی بر جنبه های پراکسیس اجتماعی تمرکز می کنند. مقوله هایی مانند مبارزات طبقاتی و مفهوم مردم که شاخه ای به نام الهیات مردم را شکل می دهد نیز از این دسته هستند. همچنین تجارب دموکراتیک آمریکایی، فمینیسم و مسائل جنسیتی که باعث پیدایش الهیات فمینیستی، نژادپرستی و غیره شد.<sup>۲</sup>

### مبانی کلامی و مفهومی

وظیفه الهیاتی به عنوان بازتاب انتقادی پراکسیس تاریخی، در پرتو علم کلام تصور می شود. این الهیاتی است که دگرگونی تاریخی رهای بخشی را به گونه ای به وجود می آورد که نه تنها به دنیای انسان ها می اندیشید بلکه آن ها را با موهبت پادشاهی الهی مواجه می نماید. او برای رسیدن به این هدف، از تحلیل های علوم اجتماعی و نظریه اقتصادی و اجتماعی، با بینش معنوی عمیقاً متعالی مسیحیت، در پرتو کلام خدا (انجیل و سنت رسولان) استفاده می کند.<sup>۳</sup>

این الهیات رابطه ای نزدیک بین رستگاری و روند تاریخی رهایی انسان می یابد و به دنبال تحلیل عمیق معنای فقر و فرآیندهای تاریخی فقر و ارتباط آن با طبقات

1. Chenu, Bruno(1989) La teología latinoamericana . Teologías cristianas de los tercero mundo:23\_65. Barcelona. Herder

2. Vuola, Elina(2000). Teología feminista. Teología de la liberación (la praxis como método de la teología latinoamericana de la liberación y de la teología feminista). Madrid:IPALA.p.85

3. Tamayo, Juan José(2013) Gustavo Gutiérrez: El teólogo del Dios liberador . Redes cristianas, 19 de septiembre de 2013

مختلف اجتماعی است و در نهایت متعهد به مشارکت در روند رهایی بخشی می باشد. و از ستمدیدگان به عنوان موقعیتی ممتاز در حیات مسیحیت نام می برد. <sup>۱</sup>و برای این منظور به آیاتی از کتاب مقدس اشاره می کند. مانند آنجا که در کتاب خروج (۱۴:۳۱) گفته شد حقوق فقرا حقوق خداست و یا در جای دیگر که می گوید او فقرا را برگزیده است. (یعقوب ۵:۲)

### گزاره‌های اصلی الهیات آزادبخش

رستگاری مسیحی بدون آزادی بخشی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اعتقادی به عنوان نمونه‌های بارز کرامت انسانی، امکان پذیر نیست.

رهایی بخشی به معنای آگاهی از واقعیت اجتماعی-اقتصادی آمریکای لاتین و نیاز به حذف استثمار و بی عدالتی در جهان است.

وضعیت اکثریت مردم آمریکای لاتین در تضاد با برنامه تاریخی خداوند و پیامد یک عصیان اجتماعی است.

نه تنها گناهکاران وجود دارند، بلکه قربانیان این گناه نیز هستند که نیاز به عدالت و ترمیم وضعیت زندگانی هستند.

روش مطالعه الهیات، تامل مبتنی بر عمل به ایمان زنده، ابلاغ، اعتراف و تجلیل در یک بحث علمی است.<sup>۲</sup>

با این حال ضروری است که ارزیابی انجام شده توسط گوستاوو گوتیرز برجسته شود. زیرا که وی معتقد است که برخلاف دیگر فرضیات کلامی یا فلسفی الهیات رهایی بخش یک عمل ثانوی است یعنی از تجربه به تعهد و کار با فقرا و برای فقرا، و مقابله با بی عدالتی ناشی می شود.<sup>۳</sup> در واقع می خواهد بگوید که صرفاً یک مساله تئوری و در سطح ایده پردازی نیست بلکه جنبه‌های عملی فراوانی را داراست.



1. Casadont, Steven. Gustavo Gutiérrez. Teología de la liberación  
 2. Tamayo, Juan José(2013) Gustavo Gutiérrez: El teólogo del Dios liberador . Redes cristianas, 19 de septiembre de 2013  
 3. Casadont, Steven. Gustavo Gutiérrez. Teología de la liberación

از نظر گوئییز مردم خالق تاریخ خود برای غلبه بر رنج هستند از نظر او این فقط یک مساله شناختی نیست بلکه به قول خود او یک تعهد زندگی، یک سبک زندگی و یک روش اعتراف به ایمان و معنویت است.

### نجات و رهایی در کلیسای آزادی بخش

انسان دارای مرگِ روح می شود که این همان از بین رفتن معنویت و استبعاد از خداوند است پس نجات آن به این است که دوباره احیا گردد. و این کار به عهده روح القدس است که در قلب کسی که دچار مرگ روحانی شد حیاتی دگر بدمد و در نتیجه او عضوی از خانواده خدا بشود. و این تنها با فیض الهی صورت می گیرد و تمام فیض حق در مسیح جمع شده است.

طبق متون مقدس مرحله اول این نجات ایمان است و بعد از آن عمل صالح است که تنها راه رسیدن به مسیح است و به عبارت دیگر تنها راه نجات می باشد. و از نظر کلیسای انقلابی عمل همان رفتار نیک است که بخش عمده آن در خدمت به مردم است.

از نظر کلیسای واتیکان منظور از رهایی، رهایی درون انسان هاست و چنین رهایی که از درون سرچشمه گرفته و به سمت مظاهر گوناگون حیات انسانی جریان پیدا می کند می تواند در تمامی ساختارهای جامعه اثر گذاشته و سبب اعتلای آنها شود.<sup>۱</sup> همچنین واتیکان اعتقاد دارد که رهایی حقیق ارتباطی با پراکسیس ندارد و تحت لوای آن نیست چون حرف اول و آخر را دگماتیسم ایمانی می زند. دقیقاً در نقطه مقابل، تمام حرف کلیسای رهایی بخش مانند سایر جریانات آزادی بخش پراکسیس و عمل گرایست. یعنی ایمان آنجا بروز پیدا می کند که با عملی در جهت تغییر ناهنجاریهای اجتماعی همراه شود.



کلیسای عدالت‌گرای رهایی‌بخش معتقد است که رهایی صرفاً امری درونی نیست بلکه علاوه بر آن نجات و رهایی از اوضاع اجتماعی نابسامان را نیز در بر می‌گیرد. و برای این نظر خود به ادله‌ای از کتاب مقدس استناد می‌کنند.

اولین مطلبی که به آن قائل هستند این است که خداوند، خدای آزادی‌بخش است. خدا فقط خدای حلول و تجسد نیست. خدا در تمام شئون زندگی جریان دارد و در ما قبل تاریخ نمانده است. همان‌خدایی است که نوح را از دل طوفان رها کرد و آتش را بر ابراهیم خلیل سرد نمود.

هلدر کاراما می‌گوید: ایمان در کتاب مقدس همان ایمان به خداوند نجات‌بخش است که در تاریخ حضور دارد.<sup>۱</sup> به عنوان مثال واقعه خروج در بخش عهد قدیم کتاب مقدس آمده تأیید همین نکته است که خدای متعال برای آزادی مستضعفان وارد میدان عمل شده و آنان را از یوغ ستمگران رهایی داده است. حرکتی شکل گرفت که در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی بود و این چیزی جز عنایت آزادی‌بخشانه حق متعال نیست.

دومین مطلبی که جزو مبانی کتاب مقدسی ایشان است این نکته می‌باشد که خدا همواره قرین فقر است و ما نیز باید چنین باشیم اما نه به این معنا که فقط به آنان صدقه دهیم. این خوب است اما کافی نیست آنچه که لازم است انسان باید به عنوان یک عامل تاریخی جریان‌سازی کند و در صدد برکنند فقر از جامعه باشد. و این همان چیزی است که مد نظر خداست. در کتاب ارمیا آمده است که: فقیر و مسکین را دادرسی می‌نمود، آنگاه سعادتمند می‌شد، مگر شناختن من این نیست؟<sup>۲</sup>

مطلب سوم اینکه افرادی همچو لئوناردو بوف معتقد هستند که بشارت عیسی (ع) به برپایی حکومت الهی در ملکوت آسمانها صرفاً یک امر معنوی نیست بلکه



1. José Comblin, Otros, Cambio social y pensamiento cristiano en América Latina, Trotta, (1993)P173.

۲. ارمیاء نبی ۱۶:۲۳.

ملکوت همان اراده مستضعفان در برچیدن ظلم است<sup>۱</sup> و صلیب نماد رنج‌های بشر است و عروج به معنای رهایی از این رنج است. پس رسیدن به ملکوت جز از طریق مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی بدست نمی‌آید.

در چهارمین برداشت از سنت عیسوی و کتاب مقدس به این مطلب می‌رسیم که سیره حضرت عیس علیه السلام مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی بود و عمل رهایی‌بخش صرفاً برای رساندن انسان به آسمانها نبود بلکه عمده عمل آزادی‌بخشانه او در رهایی‌بخشیدن اجتماع از ستم سفاکان و ظالمان بود. انسانها با هم خواهر و برادرند در عمل اراده مسیح را با هم اجرا کنند که این همان آزادی‌بخشی از استبداد و بی‌عدالتی است.

در این بخش به نقش کلیسا در عملیات آزادی‌بخشی آمریکای لاتین پرداختم به این دلیل که مسائلی همچون پراکسیس، مبارزه با ظلم، بیدارگری محرومان و توجه به غیر و یا همان دیگری از نقاط اشتراک این نگرش دینی با فلسفه آزادی‌بخش است و قطعاً بر روند شکل‌گیری فلسفه آزادی‌بخش تاثیر مستقیم گذاشته است.

<sup>۱</sup>. Leonardo Boff, Teología del cautiverio y de la liberación, 1978 Ediciones Paulinas 1978 P 283

## نتیجه‌گیری

فلسفه آزادی‌بخش تولد یافته آمریکای لاتین است و ریشه در رنج و محنت و استعمار دارد. این فلسفه در مقابل با فلسفه غرب اروپا محور ایستاده و با ساختارهایی که هژمونی قدرطلبانه غربی ایجاد کرده مخالف است. فلسفه آزادی‌بخش جهانی‌سازی، استعمار قدیم و جدید، استثمار، سرمایه‌داری و بسیاری از چارچوب‌های نادرست زندگی امروز بشر را که از آن به تمدن غربی نیز یاد می‌شود را زاییده تفکر فلسفی کلاسیک فلاسفه اروپایی می‌داند.

فلاسفه آزادی‌بخش بر این باورند که نتیجه اندیشه امثال کانت، امروزه تبدیل به تمدن فعلی بشری شده که می‌توان در آن روح بورژوازی و قدرت‌طلبی و برتری عده‌ای و بیچارگی عده‌ای دیگر را مشاهده کرد.

فلسفه آزادی‌بخش نه تنها با مظاهر مادی این تمدن مخالف است بلکه با زنجیر بیگانگی‌ای که فلسفه غرب آن را به گردن مستضعفان فکری و فرهنگی انداخته نیز مخالفت می‌کند و قائل است که بشر ابتدا باید غل و زنجیر اسارت فکری خود از فلسفه غربی را بدرد و از ابتداء اندیشه عقلی نوینی را بنا کند تا زیستی عادلانه و انسانی به بار آید.



## فهرست منابع

۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۸۷
۲. ناجی محمد امین، کلیسای انقلابی، نشر فانوس دریایی، قم ۱۴۰۱
۳. ارمیاء نبی ۱۶:۲۳.
۴. زیرک، معصومه، تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن، منطقه‌گرایی و الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، ماهنامه بررسی.
1. Ardiles, Osvaldo A; Casalla, Mario; Cerruti Guldberg, Horacio; Cullen, Carlos; Dussel, Enrique; Kusch, Rodolfo; Roig, Arturo Andres; De zan; Julio. Hacia una filosofía de la liberación latinoamericana. Bonum, Buenos Aires (1973)
2. Scannone, Juan Carlos .la filosofía de la liberación: historia, características, vigencia actual. Teología y vida L: Bonum, Buenos aires 2009.
3. Medita, Eduard, Vulnerabilidad, fuerza, de seguridad, Ética de la vida y liberación a partir del pensamiento de Enrique Dussel. La revista de filosofía, mexico, 2012
4. Duseel, Enrique. Una introducción a la filosofía de la liberación . P 196. Editorial de nueva américa. Bogotá 1977
5. Ridi Montano. La moralidad kantiana y la ética de la liberación de Dussel, Editorial LDT. Colombia 2010
6. Serotti Oracio. 200 años de nuestro pensamiento americano. Editorial LDT. Bogotá 2011
7. Dussel Enrique, la filosofía de la liberación, Editorial Nuevo América, Cuarta Edición, Bogotá 1996
8. Dussel Enrique, la pobreza y la civilización, Editorial Nuevo América, Bogotá 1998
9. Álvaro, José Luis, La ética de la liberación ante el desafío de Apel, Taylor y Vattimo con respuesta crítica inédita de K.O. Apel, Enrique Dussel, nuevo America, Bogotá 2015
10. Medita, Eduardo, Vulnerabilidad de las víctimas, filosofía de vida ética y liberación a través del pensamiento de Enrique Dussel. Editorial LDT. Colombia. 2000
11. Dussel Enrique, 14 Tesis De Ética, Hacia La Esencia del pensamiento crítico, Editorial Traotta, 1 er Edición, Buenos Aires 2016
12. Vernon, Ivan 1978. Review of History and the Theology of liberation a Latin America perspective. Oxford University press. Consultado el 1 de noviembre de 2017



13. Kilgore, W. J. 1976. History and the Theology of liberation a Latin America perspective. Duke University press. doi: 10.2307/2514222. Consultado el 1 de noviembre de 2017
14. Jesús Delgado Acevedo Oscar A. Romero. Biografía, Ediciones Paulinas, Madrid, España, (1986)
15. Boff, Leonardo, Teología de la liberación: Recepción creativa del vaticano II a partir de la óptica de los pobres. Desde el lugar del pobre. Ediciones Paulinas. España 1989
16. Dussel, Enrique. La historia social de América Latina y el origen de la teología de la liberación. La teoría social latino americana: La centralidad del marxismo. Coyoacán: El Caballito 1995
17. Chenu, Bruno La teología latinoamericana . Teologías cristianas de los terceros mund. Barcelona. Herder 1989
18. Vuola, Elina. Teología feminista. Teología de la liberación (la praxis como método de la teología latinoamericana de la liberación y de la teología feminista). Madrid 2000
19. Tamayo, Juan José Gustavo Gutiérrez: El teólogo del Dios liberador . Redes cristianas, septiembre de 2013
20. Casadont, Steven. Gustavo Gutiérrez. Teología de la liberación. Paulina. Madrid 2008
21. José Comblin, Otros, Cambio social y pensamiento cristiano en América Latina, Trotta, (1993)
1. 22. Leonardo Boff, Teología del cautiverio y de la liberación, Ediciones Paulinas. Madrid 1978.

